



زندگی فراموش شده میلو ماریچ اینشتین

— آلن استرسون — دیوید چارلز کاسیدی —

— روث لَوین سیمه — ترجمهٔ اکرم ورشوچی فرد

زندگی فراموش شده

میلوا ماریچ اینشتین



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: استرسون، آلن، ۱۹۳۶-م. Esterson, Allen, 1936
عنوان و نام پدیدآور: زندگی فراموش شدهٔ میلواماریچ - اینشتین/ آلن استرسون، دیوید چارلز کاسیدی و
روث لوین سیمه/ ترجمهٔ اکرم ورشوچی فرد
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری: ۴۷۲ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۷۴۹-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Einstein's wife: the real story of Mileva Einstein - Maric, [2019].
موضوع: اینشتین- ماریچ، میلوا، ۱۸۷۵-۱۹۴۸م./ اینشتین، آلبرت، ۱۸۷۹ - ۱۹۵۵م.
زناشویی/ اینشتین، آلبرت، ۱۸۷۹ - ۱۹۵۵م. - خاندان/ زنان ریاضی‌دان - آلمان
- سرگذشتنامه
رده‌بندی کنگره: QC ۱۶
رده‌بندی دیویی: ۵۱۰/۹۲
شمارهٔ کتابشناسی ملی: ۷۴۴۴۶۱۹



■ زندگی فراموش شدهٔ میلواماریچ - اینشتین

آلن استرسون، دیوید چارلز کاسیدی و روث لوین سیمه
ترجمهٔ اکرم ورشوچی فرد
آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۰، ۱۱۰۰ نسخه

همهٔ حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازهٔ کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخرآزادی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،
طبقهٔ سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

[@ketabeparseh](https://www.instagram.com/ketabeparseh)

فروشگاه: تهران، خیابان ولیعصر، روبروی دوراهی یوسف‌آباد، پلاک ۱۹۴۱
تلفن: ۸۸۹۱۸۹۴



دیوید چارلز کاسیدی (متولد ۱۹۴۵)

تاریخ‌نگار آمریکایی و استاد بازنشسته دانشگاه هافسترا، همپستید، نیویورک. شهرت او بیشتر به خاطر کمک‌های شایانی است که در زمینه تاریخ مکانیک کوانتومی، زندگینامه‌های علمی و تاریخ فیزیک در آلمان و ایالات متحد انجام داده است. کاسیدی موفق به کسب افتخارات و جوایز مختلفی شده است، از جمله: جایزه Pfizer انجمن تاریخ علم، جایزه نگارش علمی مؤسسه فیزیک آمریکا، جایزه Abraham Pais انجمن فیزیک آمریکا و دکترای افتخاری علوم از دانشگاه پردو.



روث لوین سیمه (متولد ۱۹۳۹)

فارغ‌التحصیل کالج بارنارد و دارای مدرک دکترا از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۴. او استاد بازنشسته دپارتمان شیمی کالج شهر ساکرامنتو است. شهرت وی بیشتر به خاطر انتشار آثاری در زمینه تاریخ علم بوده است. او درباره لیزه ماینر فیزیکدان هسته‌ای و آنتوان دانشمند عرصه پرتوشیمی، یعنی دو نفری که در کشف و شرح هم‌جوشی هسته‌ای دخیل بودند، چندین کتاب و مقاله نوشته است.



آلن استرسون (متولد ۱۹۳۶)

او پیش‌تر در کالج‌های مختلف لندن مشغول به تدریس بود و در حال حاضر، در زمینه بررسی صحت و سقم ادعایی موسوم به ماجرای میلوا (ماریج) کار می‌کند؛ ادعایی که به‌طور گسترده اشاعه پیدا کرده و درباره همسر اول اینشتین، میلوا ماریج، و کمک‌های قابل‌توجه او در زمینه تهیه مقاله‌های مشهور اینشتین در سال ۱۹۰۵ است.

فهرست

تشکر و قدردانی.....	۹
مقدمه.....	۱۳

بخش اول: میلوا و آلبرت

فصل اول: دو مسیر مختلف زندگی و تحصیل.....	۳۵
فصل دوم: پلی تکنیک زوریخ.....	۶۷
فصل سوم: ازدواج ناموفق.....	۱۳۱

بخش دوم: زنان در عرصه علم

فصل چهارم: تلاش‌ها و موفقیت‌های زنان در عرصه علم.....	۱۷۳
---	-----

بخش سوم: بررسی ماجرای میلوا ماریچ

فصل پنجم: شروع ماجرا.....	۱۹۱
فصل ششم: ماجرا شکل می‌گیرد.....	۲۰۷
فصل هفتم: همکاری آلبرت و میلوا در دوران دانشجویی.....	۲۴۷

۸ ■ زندگی فراموش شدهٔ میلوا ماریچ - اینشتین

۲۷۹ فصل هشتم: همکاری آلبرت و میلوا طی زندگی مشترک
۳۴۱ فصل نهم: ماجرا پیش می‌رود
۳۹۵ فصل دهم: ماجرا همچنان ادامه دارد
۴۳۳ فصل یازدهم: ماجرا به پایان می‌رسد
۴۴۷ کتابشناسی

تشکر و قدردانی

ما، نویسندگان کتاب حاضر مراتب قدردانی و تشکر خود را از آلبرتو ای. مارتینز^۱ و یک کارشناس گمنام ارزیابی اعلام می‌داریم که نسخه دست‌نویس این کتاب را به دقت مطالعه و همچنین پیشنهادات فوق‌العاده‌ای نیز ارائه کردند.

از راث لوین سیمه^۲ برای همکاری‌اش و از جرالدهولتون^۳ برای مشاوره‌ها و توصیه‌هایش صمیمانه متشکریم.

همچنین از میهانلا بارباریچ^۴، مسئول بایگانی دولتی کرواسی در زاگرب^۵،

۱. Alberto A. Martínez، نویسنده پرتوریکیوی تبار، استادیار رشته تاریخ علم دانشگاه نگزاس (پانوشت‌های کتاب از مترجم است).

۲. Ruth Lewin Sime، سال تولد: ۱۹۳۹. نویسنده، مدرس و محقق علمی آمریکایی. استاد بازنشسته دپارتمان شیمی کالج شهر ساکرامنتو

۳. Gerald Holton، سال تولد: ۱۹۲۲، فیزیکدان، تاریخ‌نگار علم، استاد رشته فیزیک، و استاد بازنشسته تاریخ علم در دانشگاه هاروارد

4. Mihaela Barbarić

5. State Archive in Zagreb, Croatia

به خاطر اینکه رونوشت‌های اسناد و مدارکی را که در تصویرهای ۱-۱ و ۱-۲ آورده شده، در اختیار ما قرار داد، و از بویدار کرکوویچ^۱، رئیس دپارتمان اطلاعات بایگانی دولتی برای صدور اجازه انتشار این عکس‌ها قدردانی می‌کنیم.

از آر اریث برلا بارنی^۲، مسئول آرشیو آلبرت اینشتین^۳ در دانشگاه عبری اورشلیم^۴؛ مایکل سیمونسون^۵ از مؤسسه لئو بآنک، نیویورک^۶؛ کتابخانه و آرشیو نیلز بور^۷، مؤسسه فیزیک آمریکا^۸، کالج پارک، مریلند^۹؛ و از آرشیو عکس کتابخانه مؤسسه فناوری فدرال سوئیس در زوریخ (ETH)^{۱۰} به خاطر همکاری سخاوتمندانه‌شان در زمینه فراهم کردن عکس‌ها، تعیین محل آن‌ها، و همچنین اجازه نشرشان متشکریم.

ما، نویسندگان کتاب حاضر همچنین از کیتی هلکه^{۱۱} و کارکنان مؤسسه انتشاراتی MIT^{۱۲} به خاطر همکاری و توجه کارشناسانه‌شان در امر چاپ این کتاب تشکر می‌کنیم. علاوه بر موارد فوق، آلن استرسون^{۱۳} نیز از دیوید

- | | |
|---|-----------------------------------|
| 1. Božidar Kereković | 2. Or Orith Burla Barnea |
| 3. The Albert Einstein Archives | 4. Hebrew University of Jerusalem |
| 5. Michael Simonson | 6. Leo Baeck Institute, New York |
| 7. Niels Bohr Library and Archives | 8. American Institute of Physics |
| 9. College Park, Maryland | |
| 10. Swiss Federal Institute of Technology (ETH) Library Zurich, Photo Archive | |

نام مؤسسه فناوری فدرال زوریخ، تاپیش از سال ۱۹۱۱، مؤسسه پلی تکنیک زوریخ بود.

- | | |
|-----------------|---------------|
| 11. Katie Helke | 12. MIT Press |
|-----------------|---------------|

۱۳. Allen Esterson، سال تولد: ۱۹۳۶. نویسنده، و سابقاً مدرس رشته ریاضی و فیزیک در کالج‌های مختلف لندن. او در حال حاضر به طور متمرکز مشغول مطالعه و بررسی صحت و سقم ادعای مطرح شده در مورد نقش میلوا ماریچ در

تشکر و قدردانی ■ ۱۱

سی. کاسیدی^۱ به خاطر همکاری اش در جهت شکل دهی فصل های کتاب در چارچوبی قابل انتشار به عنوان مرحله اول روند تهیه نسخه پیش نویس نهایی کتاب تشکر می کند.

→ تهیه مقالات آلبرت اینشتین است.

۱. David C. Cassidy، سال تولد: ۱۹۴۵. نویسنده کتاب ها و مقالات علمی، تاریخ نگار آمریکایی، و استاد بازنشسته دانشگاه هافسترا، همپستید، نیویورک

مقدمه

میلوا اینشتین - ماریچ^۱، همسر فیزیکدان مشهور جهان، یعنی آلبرت اینشتین، واقعاً چه کسی بود؟ او که به همراه اینشتین در رشته ریاضی و فیزیک تحصیل کرده بود، در تهیه مقالات مشهور همسرش که فیزیک نوین را دگرگون کرد، چه نقشی داشت، البته اگر اصلاً نقشی در این زمینه داشته باشد؟ آیا او همکار گمنام یا حتی نویسنده مشترک، مشاور، دستیار رده اول، دستیار برجسته، همسر معمولی و نه چندان برجسته‌ای بود که امکان همه این موفقیت‌ها را برای اینشتین فراهم کرد؟ آیا به‌راستی این موضوع مهم است؟ البته که مهم است زیرا تحقیقات علمی اینشتین و نظریه‌های نسبیت^۲،

۱. Mileva Einstein-Marić؛ نام میلوا ماریچ (Mileva Marić) پس از ازدواج به میلوا اینشتین - ماریچ تغییر کرد. به این ترتیب، نام او پیش، حین، و پس از ازدواج به نام ماریچ ختم می‌شد. بنابراین، صرفاً به منظور ساده‌سازی، به‌هنگام اشاره به نام خانوادگی او در کتاب حاضر، از نام خانوادگی ماریچ استفاده شده است.

۲. Special and General Theory of Relativity؛ آلبرت اینشتین به ترتیب در سال‌های

۱۹۰۵ و ۱۹۱۵ دو نظریه انقلابی خود یعنی «نظریه نسبیت خاص» ←

نظریه کوانتومی^۱، و نظریه اتمی^۲ او پایه‌های فیزیک معاصر را بنیان نهاد. بدون اطلاع از حقیقت ماجرای که اتفاق افتاد، یعنی اینکه چگونه این نظریه‌های بنیادین شکل گرفتند، نمی‌توان به‌طور کامل به اهمیت تاریخی آن‌ها پی برد. به‌علاوه، به‌ویژه وقتی متوجه می‌شویم همکاری‌ها و مساعدت‌های زنان دانشمند خصوصاً همسران و شرکای علمی مردان دانشمند برجسته و مشهور جهان چقدر نادیده گرفته شده، فراموش شده، و حتی منکوب شده، نمی‌توانیم هر کجا ضرورت ایجاب می‌کند برای این دستاوردها و موفقیت‌ها اعتباری قائل شویم، اعتبار آن‌ها را به رسمیت بشناسیم.

طی دهه‌های گذشته مطالب فراوانی، اغلب با قطعیت و اطمینان، در حمایت از دیدگاه یا دیدگاه‌های فوق در رابطه با نقش میلو اینشتین - ماریچ نوشته شده است. کتاب حاضر به‌منزله سفری در میان این امواج پرخروش است و انگیزه مهم «پی بردن به صحت و سقم این ماجرا»، ما را در این سفر

→ و «نظریه نسبیت عام» را ارائه کرد. نسبیت خاص درباره ساختار به‌هم بسته فضا - زمان و ثابت بودن نور برای تمام ناظرها صحبت می‌کند و نسبیت عام درباره حرکت در دستگاه‌های شتابدار و نیز انحنای فضا - زمان و گردش بحث می‌کند.

۱. Quantum Theory، نظریه کوانتومی یکی از بنیادی‌ترین نظریه‌های فیزیک مدرن است که سرآغاز آن با دستاورد ماکس پلانک به سال ۱۹۰۰ می‌شناسند. این نظریه با همکاری دانشمندان بسیاری از جمله آلبرت اینشتین پا گرفته است. نظریه کوانتومی که با نام‌های فیزیک کوانتومی و مکانیک کوانتومی هم شناخته می‌شود به بررسی رفتار طبیعت در مقیاس‌هایی اتمی و زیراتمی می‌پردازد.

۲. Atomic Theory؛ نظریه اتمی سنگ بنای فیزیک و شیمی مدرن است. اگرچه این نظریه با نام جان دالتون گره خورده است؛ اما پیشینه آن به یونان باستان و دموکریتوس باز می‌گردد که واژه اتم را به معنای تفکیک‌ناپذیر به کار برد. امروزه علم مدرن نشان داده اتم‌ها اجزای سازنده ماده هستند و هر اتم از سه جز یا سه ذره اصلی ساخته شده است. پروتون و نوترون هسته را شکل داده و الکترون‌ها در مدارهایی به دور هسته در گردش است.

هدایت می‌کند یا حداقل باعث می‌شود به خاطر میلوا و آلبرت، و به خاطر تاریخچه فیزیک معاصر، تاجایی که ممکن است به «درستی و صحت» آن نزدیک شویم. این سفر در عصر دروغ‌ها و فریبکاری‌های تعمدی، اخبار جعلی و «حقایق بسته‌وگریخته»، اهمیت به مراتب بالاتری پیدا می‌کند. وجود مستندات روبه‌افزایشی که طی دهه‌های گذشته در مورد این دو فرد برجسته و آثار و فعالیت‌های آن‌ها در دسترس قرار گرفته، کمک می‌کند این کشتی تا رسیدن به پایان مسیر همچنان به راه خود ادامه دهد.

از این موضوع کاملاً آگاه هستیم که آلبرت اینشتین، دانشمند مشهور جهان که مجلهٔ تایم^۱ او را «شخصیت قرن» خوانده، ازدواج کرده بود. اما تا دههٔ ۱۹۹۰، کمتر کسی می‌دانست که او دوبار ازدواج کرد و همسر اول او نیز دانش‌آموختهٔ رشتهٔ ریاضی و فیزیک بود. همسر دوم اینشتین به نام اِلِسا^۲ که دانشمند نبود، وقتی شوهرش را در دیدارهای معروفش طی دههٔ ۱۹۲۰ خصوصاً در ایالات متحده آمریکا همراهی می‌کرد، تا حد زیادی به‌عنوان همسر او شناخته می‌شد. او در سال ۱۹۳۳ با اینشتین ساکن شهر پرینستون^۳ شد (و سه سال بعد از این تاریخ از دنیا رفت). اینشتین در سال ۱۹۱۹، یعنی همان سالی که نظریهٔ نسبیت عام او برای اولین بار مورد تأیید قرار گرفت، با همسر دومش ازدواج کرد. این نظریه که یکی از بزرگ‌ترین دستاوردها و موفقیت‌های قرن بیستم محسوب می‌شد، شهرت جهانی را برای او به ارمغان آورد.

اما این همسر اول اینشتین، یعنی میلوا ماریچ، بود که او را در سرتاسر دورهٔ سخت تحصیل‌اش به‌عنوان دانشجوی فیزیک در سال ۱۸۹۶، و دورهٔ ترقی و صعود و اوج حرفه‌اش در سال ۱۹۱۴ به‌لحاظ معنوی و عاطفی

1. Time Magazine

2. Elsa

3. Princeton

همراهی و حمایت کرد. تا پیش از سال ۱۹۸۶ که نامه‌های میلوا خطاب به اینشتین کشف شد، اطلاعات چندانی در رابطه با او یا فرزندانش که به همراه او بودند، در دسترس نبود و علاقه چندانی نیز برای دسترسی به این اطلاعات وجود نداشت. کشف این نامه‌ها باعث شد توجه همگان در سرتاسر جهان به میلوا جلب شود. این نامه‌ها در اختیار پسر اول اینشتین به نام هانس آلبرت اینشتین^۱ و خانواده‌اش بود که در برکلی، کالیفرنیا زندگی می‌کردند.

ماجرای زندگی میلوا اینشتین - ماریچ از کشف علمی و انسانی فوق‌العاده‌ای برخوردار است که به تلاش و تکاپوی زنان در عرصه علم مربوط می‌شود. واکاوی تلاش‌های این زن در راستای تحقق بخشیدن به آرزوهای خود در رابطه با حرفه علمی‌اش، و بررسی همکاری و مشارکت شخصی و علمی او و همسرش، این جنب و جوش زنانه را به خوبی آشکار ساخته است؛ همکاری و مشارکتی که متأسفانه نتیجه‌بخش نبود.

عموم مردم، سال‌ها پس از انتشار جلد اول کتاب مجموعه اوراق مربوط به آلبرت اینشتین^۲ در سال ۱۹۸۷ به‌طور گسترده از داستان جالب و جذاب زندگی همسر اینشتین، یعنی میلوا اینشتین - ماریچ، مطلع شدند. این جلد از کتاب مذکور تحت عنوان سال‌های اولیه، بین سال‌های ۱۹۰۲-۱۸۷۹^۳، حاوی مطالبی در رابطه با دوران جوانی، تحصیلات و سال‌های اولیه حرفه علمی اینشتین جوان بود. موضوع جالب و قابل توجه این کتاب،

1. Hans Albert Einstein

2. *The Collected Papers of Albert Einstein (CAPE)*

کتاب مجموعه اوراق مربوط به آلبرت اینشتین، در چندین جلد چاپ شده و تمامی جلدها و ترجمه‌های انگلیسی چاپ شده آن در آدرس <http://einsteinpapers.press.princeton.edu/> به صورت آنلاین در دسترس است.

3. *The Early Years, 1879-1902*

اشاره به پنجاهویک نامهٔ رد و بدل شده بین اینشتین و ماریچ بود که آن زمان به تازگی کشف شده و برای نخستین بار منتشر شده بود. این نامه‌ها در اختیار خانوادهٔ هانس آلبرت، پسر آن‌ها بود. این پنجاهویک نامه مربوط به بازهٔ زمانی اکتبر ۱۸۹۷ تا فوریهٔ ۱۹۰۲، یعنی سال‌هایی حین و پس از دوران تحصیل آن‌ها با یکدیگر در انستیتوی پلی تکنیک زوریخ^۱ (ETH) بود. نامه‌های بعدی آن‌ها در جلد‌های بعدی این کتاب درج شده‌اند. ماریچ اهل صربستان بود اما زبان آلمانی، یعنی یکی از زبان‌های رسمی امپراتوری اتریش - مجارستان^۲ را سلیس و روان صحبت می‌کرد. تمام نامه‌ها در کتاب مذکور به زبان اصلی آلمانی به همراه ترجمهٔ انگلیسی آن‌ها (مجموعهٔ اوراق مربوط به آلبرت اینشتین، جلد یک [به زبان انگلیسی] و کتاب نامه‌های عاشقانهٔ آلبرت اینشتین و میلوا ماریچ^۳ (۱۹۹۲)، ترجمهٔ شسته‌رفته‌تر این پنجاهویک نامه به انضمام سه نامهٔ دیگر در سال ۱۹۰۳) درج شده است.

1. Swiss Federal Polytechnic in Zurich

2. Austro-Hungarian Empire

این کشور از اتحاد امپراتوری اتریش و پادشاهی دوگانه‌ای بود که از سال ۱۸۶۷ تا ۱۹۱۸ در اروپای مرکزی سیطره داشت. پادشاهی مجارستان به وجود آمد.

3. *Albert Einstein/Mileva Maric: The Love Letters (1992)*

کتاب نامه‌های عاشقانهٔ آلبرت اینشتین و میلوا ماریچ، گردآورندگان: یورگن رن و رابرت شولمان (Jürgen Renn and Robert Schulmann). بسیاری از نامه‌هایی که میلوا ماریچ آن‌ها را ارسال و دریافت کرده، یا بدون تاریخ هستند یا فقط بخشی از تاریخ در آن‌ها ذکر شده است. گردآورندگان این کتاب، تاریخ‌هایی احتمالی و غیرقطعی را برای این نامه‌ها تخمین زده‌اند؛ ما نیز به منظور حصول اطمینان از شفافیت ترتیب تاریخی، این تاریخ‌ها را ضمیمهٔ متن نامه‌ها کردیم یا در مواردی، این تاریخ‌ها را در داخل پرانتز آورده‌ایم. نام این اثر در سرتاسر کتاب حاضر، به اختصار نامه‌های عاشقانه ذکر شده است.

جلد نخست کتاب مجموعه اوراق مربوط به آلبرت اینشتین همچنین باعث شد کتاب زندگینامه میلوا اینشتین - ماریچ اثر یکی از اساتید علوم اهل صربستان به نام دسانکا تربوویچ - گیوریچ^۱ تحت عنوان زندگی غم انگیز میلوا اینشتین - ماریچ در سایه آلبرت اینشتین^۲ مورد توجه همگان قرار بگیرد. کتاب مذکور پیش از این، چندان شناخته شده نبود اما بعدها به کتاب به شدت تأثیرگذاری تبدیل شد. نسخه اصلی کتاب مذکور در سال ۱۹۶۹ به زبان صربی منتشر شد و از سال ۱۹۸۲ تا سال ۱۹۹۵ دو نسخه آلمانی این کتاب، چهار بار چاپ شد. همچنین یک نسخه ترجمه فرانسوی نیز از این کتاب منتشر شد (تربوویچ - گیوریچ ۱۹۹۵ - ۱۹۶۹)، اما ترجمه انگلیسی آن هیچ وقت چاپ نشد. با وجود این، کتاب تربوویچ - گیوریچ در مورد زندگینامه میلوا اینشتین - ماریچ بیش از هر کتاب دیگری که تا آن زمان چاپ شده بود، به شکل گیری علنی و غالب ماجرای زندگی میلوا اینشتین - ماریچ و روابط شخصی و حرفه ای او با آلبرت اینشتین کمک کرد. تربوویچ - گیوریچ در حالی که در این کتاب به ماجرای زندگی میلوا اینشتین - ماریچ می پردازد، اغلب (همان گونه که خواهیم دید) بدون ذکر منبع یا سند و مدرک مستدل، این گونه استدلال می کند که ماریچ، ریاضیدان مستعد و برجسته ای بود که گرچه نه در فیزیک، اما در ریاضیات از اینشتین پیشی می گرفت. به علاوه از قرار معلوم، ماریچ به خاطر همکاری تخصصی اش

۱. Desanka Trbuhović-Gjurić (1897-1982). استاد دانشگاه و پژوهشگر صرب

2. *Im Schatten Albert Einsteins: Das tragische Leben der Mileva Einstein-Marić (In the Shadow of Albert Einstein: The Tragic Life of Mileva Einstein-Marić).*

نام این اثر در سرتاسر کتاب حاضر، به اختصار در سایه آلبرت اینشتین ذکر شده است.

با اینشتین، نویسنده مشترک مقاله مشهور نسبیت [خاص] در سال ۱۹۰۵ محسوب می‌شده که ناشناس باقی مانده است. اگر چنین ادعایی صحیح باشد، به این معناست که این بار هم مانند گذشته (و حال)، متأسفانه همکاری‌ها و سهم همسر این مرد بزرگ نیز از سوی همگان نادیده گرفته شده، تاریخ آن را فراموش کرده و حتی ظاهراً شوهرش نیز روی آن سرپوش گذاشته است. در تاریخ هجدهم فوریه ۱۹۹۰، تقریباً سه سال پس از انتشار جلد اول کتاب مجموعه اوراق مربوط به آلبرت اینشتین، برگزاری برنامه‌ای تحت عنوان «اینشتین جوان» طی کنفرانس سالانه انجمن پیشبرد علوم آمریکا^۱ در نیواورلئان^۲ باعث شد توجه همگان به طور گسترده‌ای به میلو اینشتین - ماریچ و موضوع ازدواجش با اینشتین جلب شود ([آرتور] هرشمن^۳ ۱۹۸۹، ۱۳۲۶). اکثر سخنرانان کنفرانس سالانه انجمن پیشبرد علوم آمریکا ارزیابی‌های علمی مجددی از زندگینامه، محیط فرهنگی، و فلسفه اینشتین ارائه کردند.^۴ اما دو تن از این سخنرانان، یعنی سنتا ترومل - پلوئتز^۵ و ایوان هریس

1. American Association for the Advancement of Science (AAAS)

2. New Orleans

۳. Arthur Herschman (1929-1991)، دریافت مدرک دکترای فیزیک نظری از دانشگاه

پیل در سال ۱۹۵۴. او سپس به انجمن پیشبرد علوم آمریکا پیوست و مدیریت کنفرانس‌های سالانه و انتشارات این انجمن را برعهده گرفت.

۴. سخنرانان کنفرانس سالانه انجمن پیشبرد علوم آمریکا عبارت بودند از: رابرت اس.

کوهن (Robert S. Cohen)، کارولین ال. هرزنبرگ (Caroline L. Herzenberg)، راث اچ. هاوز (Ruth H. Howes)، لوئیس آر. پینسون (Lewis R. Pyenson)، جان جی. استاشل (John J. Stachel)، سنتا ترومل - پلوئتز (Senta Troemel-Ploetz) و ایوان هریس واکر (Evan Harris Walker) (هرشمن ۱۹۸۹)

۵. Senta Troemel-Ploetz، سال تولد: ۱۹۳۹. زبان‌شناس، تاریخ‌نگار، و روان‌درمانگر

واکر^۱، که هر دو آن‌ها پیش از این هیچ اثر پژوهشی در رابطه با مطالعات و تحقیقات اینشتین انجام نداده بودند، از این فرصت به دست آمده استفاده کردند و مخاطبان انگلیسی‌زبان حاضر در کنفرانس را در جریان شرح و تفسیر تمام عیاری از زندگی ماریچ و رابطه همکاری علمی او با اینشتین قرار دادند. واکر که در سال ۲۰۰۶ از دنیا رفت، فیزیکدان آزمایشگاه تحقیقاتی بالیستیک ارتش ایالات متحده^۲ در ایالت مریلند، و رئیس مؤسسه تحقیقاتی سرطان واکر^۳ بود. او این مؤسسه تحقیقاتی را در سال ۱۹۸۱ تأسیس کرده بود، و در زمینه فرا-روانشناسی^۴ نیز تألیفاتی داشت (به‌عنوان مثال، مقاله «نظریه کوانتومی پدیده فرا-روانشناسی»^۵، ۱۹۷۹). وی تا سال ۱۹۹۰ به خاطر علاقه شدیدش به حوزه شبه‌علم^۶ معروف بود ([مارتین] گاردنر^۷ ۱۹۸۱؛ [دیوید] کایزر^۸، ۲۰۱۱، صفحات ۸۶-۸۴). سخنران دوم، یعنی ترومل - پلوئتز نیز زبان‌شناس و روان‌درمانگر آلمانی بود.

ترومل - پلوئتز و واکر که مقالات خود را با استناد به کتاب در سایه آلبرت

۱. Evan Harris Walker (1935-2006)، فیزیکدان و فراروان‌شناس آمریکایی

2. The United States Army Ballistic Research Laboratory

3. Walker Cancer Research Institute

۴. Parapsychology، شاخه‌ای از دانش روان‌شناسی است که به مطالعه پدیده‌های روان‌شناختی به‌ظاهر فراطبیعی می‌پردازد.

5. The Quantum Theory of Psi Phenomena

۶. Pseudoscience، به ادعاها، باورها و یا کارهایی گفته می‌شود که به‌غلط با عنوان علم ارائه می‌شوند ولی بر پایه روش علمی نیستند.

۷. Martin Gardner (1914-2010)، نویسنده‌ای آمریکایی که مقاله‌ها و کتاب‌هایی در توضیح مفاهیم علمی و ریاضیاتی برای خوانندگان غیرمتخصص تألیف کرده است.

۸. David Kaiser، سال تولد: ۱۹۷۱، فیزیکدان آمریکایی، استاد تاریخ علم، رئیس برنامه علوم، فناوری و جامعه‌شناسی دانشگاه فناوری ماساچوست (ام. آی. تی)

اینشتین اثر تریویچ - گیوریچ و کتاب نامه‌های عاشقانه نوشته بودند، در پایان شگفت‌انگیز مقاله خود با قاطعیت این‌گونه استدلال کرده بودند که میلوا اینشتین - ماریچ در آثار اولیه اینشتین همکاری‌ها و مشارکت‌های اساسی و وافر داشته است. به‌عنوان مثال، ترومل - پلوتز در مقاله طولانی خود براساس اظهاراتش در فصل‌نامه انجمن بین‌المللی مطالعات زنان^۱، ماریچ را «زنی که مسئله‌های ریاضی اینشتین را حل می‌کرد» و نویسنده مشترک مقالات مشهور اینشتین در سال ۱۹۰۵ توصیف می‌کند و معتقد است که او به‌طور غیرمنصفانه‌ای نادیده گرفته شده است. ترومل - پلوتز در مقاله خود ادعا می‌کند که سه مقاله اصلی اینشتین «زمانی در برن نوشته شدند که آلبرت اینشتین در اداره ثبت اختراعات سوئیس^۲ کار می‌کرد و او این مقالات را با همکاری همسرش نوشت» (ترومل - پلوتز^۳، ۱۹۹۰، صفحه ۴۱۹).

واگر در مقاله‌ای که در کنفرانس سالانه انجمن پیشبرد علوم آمریکا ارائه کرد، جملاتی از نامه‌های اینشتین خطاب به همسر آینده‌اش را نقل قول و از جملات مذکور این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که «گفته‌های اینشتین کاملاً حاکی از آن هستند که میلوا نویسنده مشترک نظریه نسبیت خاص بوده است». او در ادامه این‌گونه جمع‌بندی کرد که «ساختار کلی نظریه نسبیت توسط آلبرت مطرح شده بود اما ایده‌هایی که نقطه عطف این نظریه به‌شمار می‌آمدند، ایده‌های ناب میلوا ماریچ بود که به ذهن کمتر کسی خطور می‌کرد» (واگر ۱۹۹۰).

1. *Women's Studies International Forum* 2. Swiss Patent Office

3. «Mileva Einstein-Marić: The Woman Who Did Einstein's Mathematics»

«میلوا اینشتین - ماریچ: زنی که مسئله‌های ریاضی اینشتین را حل می‌کرد».

اظهارات شگفت‌آور و نسنجیده در مورد میلوا اینشتین - ماریچ و همسرش باعث جلب توجه و علاقه همگان و تعداد زیادی از رسانه‌ها شد و همچنین سیلی از کتاب‌ها و مقالاتی را نیز در زمینه ظاهراناً ناعدالتی‌ها و بی‌انصافی‌هایی که «همسر اول اینشتین» متحمل شده، در پی داشت. این‌گونه به نظر می‌رسید که میلوا نمونه برجسته و بارزی از همسران و شرکای مؤنث دانشمندانی به‌شمار می‌آمد که تاریخ حتی تعمداً همکاری‌های علمی آن‌ها را در جهت تحقق دستاوردها و موفقیت‌های بزرگ این مردان دانشمند، به‌دست فراموشی سپرده است. در نتیجه، ضروری است تاریخچه پیشین فیزیک معاصر هرچه سریع‌تر اصلاح شود. بی‌تردید در بسیاری از آثار مشهوری که پس از این ماجرا منتشر شد، ادعاها و اظهارات مطرح‌شده در آثار پیشین، تکرار و حتی دستکاری شد و به آن شاخ‌وبرگ داده شد و ظاهراناً این اتفاق در برخی موارد، بدون توجه به معیارهای متعارف نگارش آثار مستند و غیرداستانی صورت گرفت. طی سال‌ها آنچه شاید «ماجرای میلوا»^۱ نامیده شده باشد، ظهور پیدا کرد و به‌عنوان روایت کلی پذیرفته‌شده‌ای در مورد با کمک‌های نادیده گرفته‌شده میلوا اینشتین - ماریچ و مشارکت وی در فعالیت‌های علمی همسر سابقش جنبه همگانی پیدا کرد. اما

۱. همسر اول آلبرت اینشتین، یعنی میلوا اینشتین - ماریچ، ده‌ها سال به‌دست فراموشی سپرده شده بود. در سال ۱۹۸۶ وقتی گنجینه‌ای از نامه‌های ردوبدل شده بین آلبرت و میلوا که مربوط به اوایل دوران دانشجویی آن‌ها بود، کشف شد، «ماجرای میلوا» بر سر زبان‌ها افتاد. برخی از روایان «ماجرای میلوا»، ادعاهای تکان‌دهنده‌ای را مطرح کردند، از جمله: او ریاضیدانی برجسته بود که در این زمینه نسبت به همسرش نیز برتری داشت؛ و او در تهیه مشهورترین مقالات اینشتین در سال ۱۹۰۵ از جمله مقاله نسبیت خاص، مشارکت‌هایی داشته اما این در حالی است که در این مقاله، نامی از او برده نشده است. کتاب حاضر که بر تحقیق و پژوهش‌های ارزشمند تاریخی استوار است، سعی کرده پرده از حقیقت «ماجرای میلوا» بردارد.

همزمان محققانی که دربارهٔ اینشتین پژوهش می‌کردند نیز با استناد به شواهد و مدارک مستدل موجود، به‌طور کلی اکثر بخش‌های این ماجرا را رد کرده‌اند (به‌عنوان مثال، [آبراهام] پیس^۱ ۱۹۹۴، صفحات ۶-۱، ۱۶-۱۴، ۲۱؛ [جرالد] هولتون ۲۰۰۰؛ [آلبرتو ای.] مارتینز ۲۰۱۱). همان‌گونه که یکی از تاریخ‌نگاران عرصهٔ فیزیک به‌نام آلبرتو مارتینز (۲۰۱۱)، صفحهٔ ۱۹۳ می‌نویسد: «می‌خواهم او [میلوا ماریچ] را همکار پنهانی تلقی کنم. اما باید ترجیحات مبتنی بر حدس و گمان خودمان را کنار بگذاریم و در عوض به شواهد و مدارک توجه کنیم.»

باتوجه به مدارک و اطلاعات مستند فراوانی که در مورد ماریچ، اینشتین و رابطهٔ میان آن‌ها طی سال‌های پس از سال ۱۹۹۰ در دسترس قرار گرفته، مخالفت‌های تاریخ‌نگاران با ماجرای میلوا به‌طور روز افزونی مورد تأیید قرار گرفته است. برخی از این شواهد و مدارک جدید در حال حاضر به‌صورت چاپی و آنلاین در جلد‌های مختلف کتاب مجموعه اوراق مربوط به آلبرت اینشتین ذکر شده است. نسخه‌های جلد‌های مختلف این کتاب از سال ۱۹۸۷ به زبان‌های اصلی و با ترجمهٔ انگلیسی کاملاً در دسترس عموم قرار گرفته‌اند. تهیه و نشر جلد‌های مختلف این کتاب که تا سال ۱۹۲۷ ادامه پیدا کرده، حاوی مطالب بیشتری دربارهٔ موارد زیر بوده‌اند: نامه‌های اینشتین و ماریچ؛ نامه‌ها و مدارکی در رابطه با ازدواج آن‌ها در سال ۱۹۰۳، جدایی‌شان در سال ۱۹۱۴، و طلاق‌شان در سال ۱۹۱۹؛ اسنادی در مورد ماریچ و جایزهٔ نقدی نوبل؛ مکاتبات اینشتین با دوستان و همکاران در خصوص مسائل کاری، مقالات و خانواده‌اش؛ و مطالب بسیار دیگری در این زمینه.

۱. Abraham Pais (1918-2000)، فیزیکدان و تاریخ‌نگار علم هلندی - آمریکایی

به‌غیر از کتاب مجموعه اوراق مربوط به آلبرت اینشتین، اسناد مهم دیگر عبارتند از: تعدادی از گزارش نمرات درسی دورهٔ مدرسهٔ میلوماریچ (تصویرهای ۱-۱ و ۱-۲)؛ گزارش نمرات دورهٔ تحصیل او در پلی تکنیک (ماریچ، سوابق تحصیلی، برای اطلاعات بیشتر به بخش کتابشناسی مراجعه شود)؛ و همچنین نامه‌های او خطاب به هلن کوفلر ساویچ^۱، دوست صمیمی و محرم اسرار او از روزهای اول حضورش در زوریخ یعنی از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۳۲. این مدارک نخستین بار در سال ۱۹۹۸ به زبان اصلی، یعنی زبان آلمانی به همراه ترجمهٔ صربی (پوپوویچ ۱۹۹۸)^۲، و سپس ترجمهٔ انگلیسی آن‌ها (پوپوویچ ۲۰۰۳)^۳ به‌طور کامل منتشر شدند.

علاوه بر این، منابع عمدهٔ جدید و کاملاً در دسترس، زندگینامه‌های جدید و مهمی از اینشتین نیز منتشر شد که روایت‌هایی کاملاً مبتنی بر مدارک و شواهدی در مورد میلوماریچ و رابطه‌اش با اینشتین را ارائه

1. Helen Kaufler Savić

۲. نسخهٔ آلمانی به‌همراه ترجمهٔ صربی و چاپ سال ۱۹۹۸ کتاب دوستی: نامه‌های میلوماریچ و آلبرت اینشتین خطاب به هلن کوفلر - ساویچ

(Jedno prijateljstvo: pisma Mileve i Alberta Ajnštajna Heleni Savić [A Friendship: Letters from Mileva & Albert Einstein to Helene Savić])

شامل نامه‌هایی از طرف میلوماریچ خطاب به هلن کوفلر ساویچ. میلان پوپوویچ (Milan Popović)، نوهٔ هلن کوفلر ساویچ، گردآورندهٔ این کتاب است. این کتاب حاوی هیچ نامه‌ای از طرف کوفلر ساویچ به ماریچ نیست. نام این اثر در کتاب حاضر، به اختصار پوپوویچ ۱۹۹۸ ذکر شده است.

۳. کتاب در سایهٔ آلبرت: زندگی و نامه‌های میلوماریچ، همسر اول اینشتین (*In Albert's Shadow: The Life and Letters of Mileva Marić, Einstein's First Wife*)، نسخهٔ ترجمهٔ انگلیسی نامه‌های کتاب دوستی: نامه‌های میلوماریچ و آلبرت اینشتین خطاب به هلن کوفلر - ساویچ، چاپ سال ۲۰۰۳. نام این اثر در کتاب حاضر، به اختصار پوپوویچ ۲۰۰۳ ذکر شده است.

می‌کنند ([آلبرشت] ایساکسون^۱ ۱۹۹۷؛ [دنیس] اُوربای^۲ ۲۰۰۱؛ [والتر] ایساکسون^۳ ۲۰۰۷، [یورگن] نیفه^۴ ۲۰۰۷). این روایت‌ها رفته‌رفته تأثیر چشمگیری بر درک، ارزیابی و استنتاج همگان در مورد حقیقت ماجرای میلوا گذاشتند.

با توجه به حجم بالای مطالب اولیه و ثانویه از سال ۱۹۹۰، در حال حاضر، یعنی تقریباً سه دهه پس از مطرح شدن علنی ماجرای میلوا، به نظر می‌رسد بهتر است در کتاب حاضر با استناد به تمام شواهد و مدارک موجود، چه جدید و چه قدیمی، به ارزیابی مجدد عناصر متعدد چنین ادعای مهم تاریخی بپردازیم. در روند این ارزیابی، طبق سه مرحله زیر پیش می‌رویم:

۱. ابتدا براساس اطلاعاتی که با استناد به شواهد و مدارک موجود در اختیار داریم، طرح کلی و خلاصه‌ای از زندگینامه میلوا و رابطه‌اش با آلبرت اینشتین را ارائه می‌کنیم که مشخص می‌کند میلوا ماریچ چه کارهایی انجام داده است (این بخش کتاب توسط دیوید سی. کاسیدی به نگارش درآمده است).

۲. در مرحله دوم، مقاله‌ای را ارائه می‌کنیم که از منظر وسیع‌تر تلاش و تکاپوی زنان در آغاز قرن بیستم برای ورود به عرصه علم، به شخصیت

۱. Albrecht Fölsing، سال تولد: ۱۹۴۰، فیزیکدان، روزنامه‌نگار علمی و پژوهشگر آلمانی

۲. Dennis Overbye، سال تولد: ۱۹۴۴. نویسنده علمی خصوصاً در زمینه فیزیک و کیهان‌شناسی

۳. Walter Isaacson، سال تولد: ۱۹۵۲، نویسنده و زندگینامه‌نویس آمریکایی. او سابقه ریاست هیئت مدیره و مدیرعاملی سی‌ان‌ان و مدیرعاملی هفته‌نامه تایم را در کارنامه خود دارد. وی زندگینامه استیو جابز، هنری کیسینجر، آلبرت اینشتین و بنجامین فرانکلین را نوشته است.

۴. Jürgen Neffe، سال تولد: ۱۹۵۶، نویسنده و روزنامه‌نگار آلمانی

میلوماریچ می‌پردازد و همچنین مقدمه کوتاهی دربارهٔ مطالب مربوط به این موضوع را نیز ارائه می‌کنیم (این بخش کتاب توسط راث لویین سیمه به‌نگارش درآمده است).

۳. در مرحلهٔ سوم، با استناد به شواهد و مدارک موجود، سرمنشأهای ماجرای میلوا و ادعاهای صورت‌گرفته در رابطه با آن را عمیقاً مورد بررسی قرار می‌دهیم و با استناد به این شواهد نشان می‌دهیم میلوا چه کارهایی انجام نداده است (این بخش کتاب توسط آلن استرسون به‌نگارش درآمده است).

این رویکرد سه مرحله‌ای همچنین نشان می‌دهد که نویسندگان در صورتی که به‌دقت معیارهای نگارش متون تاریخی و غیرداستانی را رعایت نکنند، چقدر و تا کجا ممکن است به خطا بروند. اما مهم‌تر از همه، این رویکرد، حقیقت ماجرای زندگی شخصی زن جوان جازالخطا و لغزش‌پذیر اما درعین حال، مصمم و شجاعی را روایت می‌کند که به‌دلایل مختلف موفق نشد به آرزوهای خود در رابطه با حرفه و زندگی مشترک مورد علاقه‌اش جامهٔ عمل بپوشاند. در مقایسه با هرگونه ادعای اغراق‌آمیز یا بی‌اساسی که طی دهه‌های گذشته بارها و بارها در رابطه با ماجرای زندگی و فعالیت‌های میلوماریچ مطرح شده، ارائهٔ این روایت واقع‌گرایانه‌تر و متقاعدکننده‌تر، به او و خوانندگان خدمت بزرگ‌تری نیز می‌کند و باعث می‌شود خوانندگان به درک بهتری از نقش پیشرو بین‌المللی او در جهت کمک به امکان تحصیل زنان دانشجو در رشته‌های علمی و ورود آن‌ها به عرصهٔ علم دست پیدا کنند.

نگارش کتاب حاضر از سال ۲۰۰۶ آغاز شد، یعنی از زمانی که یکی از محققان مستقل بریتانیایی به نام آلن استرسون این مسئولیت دشوار را به‌عهده گرفت تا آثار فراوان موجود در رابطه با شخصیت میلوا اینشتین -

ماریچ و نقش وی در دستیابی اینشتین به موفقیت‌هایش را که یا به صورت چاپی یا در سایر اشکال رسانه‌ای در دسترس بودند، مورد تجزیه و تحلیل، بررسی و ارزیابی دقیق قرار دهد. وی اکثر یافته‌های خود را در قالب مقاله در وبسایت خود به آدرس <http://www.esterson.org> منتشر کرد. او در سال ۲۰۱۰ به تدریج مقاله‌های خود را در قالب کتابی گردآوری کرد و این کار را اواخر سال ۲۰۱۳ یعنی تقریباً زمانی که بیمار شد و دیگر نتوانست به کار ادامه دهد، به پایان رساند. سال بعد کاسیدی موافقت کرد در زمینه تکمیل این اثر به او کمک کند. سال ۲۰۱۷ بیماری استرسون آن قدر بهبود پیدا کرده بود که بتواند نگارش آنچه در حال حاضر بخش سوم کتاب حاضر محسوب می‌شود از سر بگیرد. در حال حاضر، این بخش کتاب تماماً اثر اوست. کاسیدی نیز همزمان شرح زندگی نامه میلو و آلبرت (بخش اول کتاب حاضر) را نوشت. به علاوه، نویسنده معروف زندگینامه لیزه مایتر^۱، یعنی راث لویین سیمه، با نگارش مقاله‌ای شیوا درباره تلاش‌ها و مبارزات زنانی نظیر میلو ماریچ در جهت ورود به عرصه علم، به نگارش کتاب حاضر کمک کرد و این مقاله در حال حاضر بخش دوم این کتاب را تشکیل می‌دهد.

شواهد و مدارک

بر اساس ماجرای میلو، در واقع میلو اینشتین - ماریچ با آلبرت اینشتین همکاری، و در دستیابی او به موفقیت‌های علمی خصوصاً موفقیت‌هایش در «سال معجزه» ۱۹۰۵ نقش داشته، و اینکه می‌بایست نام او نیز در یک

۱. Lise Meitner (1878-1968)، بانوی فیزیکدان هسته‌ای اهل اتریش فعلی. لیزه مایتر از زنان پیشگام در فیزیک هسته‌ای بود که همراه همکارش اتو هان که شیمیدان هسته‌ای بود، موفق شد ماهیت شکافت هسته‌ای را توضیح دهد. پدیده‌ای که بعدها منجر به ساخت بمب اتمی و راکتورهای هسته‌ای شد.

یا بیشتر مقالات اینشتین به عنوان نویسنده مشترک ذکر می‌شد. ادعایی تا این اندازه مهم در مورد موفقیت‌ها و دستاوردهای علمی‌ای تا این اندازه عظیم و درخشان، مستلزم آن است که نسبت به تمامی جوانب این اتفاقات، چگونگی و چرایی به وجود آمدن آن‌ها، و نقش‌شان در شکل‌گیری مبانی فیزیک معاصر، به درست‌ترین درک ممکن برسیم. همان‌گونه که بارها و بارها گفته شده است، ادعاهای خارق‌العاده مستلزم ارائه شواهد، اسناد و مدارک خارق‌العاده‌ای نیز هستند.

تاریخ و روزنامه‌نگاری، علوم دقیقی محسوب نمی‌شوند. گذشته دیگر وجود ندارد و نمی‌توانیم آنچه اتفاق افتاده را به دقت مورد مطالعه قرار دهیم یا افکار و انگیزه‌های این مدعیان را حین بیان اظهارات مذکور ثبت و ضبط کنیم. اما امکان دسترسی به طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک، نامه‌ها، خاطرات، و رویدادهای همزمان و مرتبط با این اتفاقات و تحولات وجود دارد که می‌تواند به ما کمک کند تا به اطلاعات زیادی درباره آنچه واقعاً اتفاق افتاده و چرایی وقوع آن‌ها دست پیدا کنیم. اما این اطلاعات به ندرت دقیق هستند و اغلب اختلاف‌های فاحش و مهمی در آن‌ها به چشم می‌خورد (این مسئله در مورد این ماجرا نیز صدق می‌کند). به علاوه، همواره شرایط ایجاد می‌کند ارزیابی‌ها و تفسیرهای قضاوت‌گرانه‌ای در رابطه با شواهد و مدارک گذشته صورت بگیرد ولی ما نیز برای ارزیابی نشانه‌ها و شواهد برجای مانده و ارائه نتایج، روش‌ها و معیارهای پیشرفته‌ای در اختیار داریم که به مرور تکامل یافته و طی قرن‌ها به طور گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. اکثر این روش‌ها و معیارها، مبتنی بر عقل سلیم هستند. اما قصد داریم به این نکته نیز اشاره کنیم کسانی که می‌خواهند به بررسی گذشته بپردازند و در سطحی غیر تخصصی در زمینه این قبیل موضوعات مطلب بنویسند، نیازی نیست پژوهشگران یا روزنامه‌نگاران دانش آموخته باشند

بلکه بهتر است وقت بگذارند و تلاش کنند با روش‌ها و معیارهای کاملاً پذیرفته‌شده استفاده از شواهد و مدارک، و نوشتن درباره آن‌ها آشنا شوند. شواهد و مدارک تاریخی بر جای مانده از گذشته، به دسته‌های بسیار متنوع و مختلفی تقسیم می‌شوند و هر یک از اعتبار، سودمندی، و قابلیت دسترسی خاصی برخوردارند: از مدارک و شواهد، نامه‌ها، خاطرات روزانه، عکس‌ها و پیش‌نویس مقالات معاصر گرفته تا خاطرات و روایت‌های شفاهی و مبتنی بر شنیده‌هایی که بلافاصله یا چه‌بسا چندین دهه پس از وقوع حوادث بازگو شده‌اند. باید منبع، شرایط (علمی، فرهنگی، شخصی)، و حتی معانی واژه‌ها و عبارات به کار گرفته شده در زمان مربوط به هر مورد از این شواهد و مدارک، درست مانند یک ابزار دست‌ساز کهن که از حفاری ویرانه‌های یک مکان باستان‌شناسی یافت می‌شود، مورد ارزیابی دقیق و توأم با نکته‌سنجی قرار بگیرد.

کسانی که قائله ماجرای میلوا را برپا و درباره آن به بحث و استدلال پرداخته‌اند، به منظور اثبات ادعاهای خود بارها و بارها به شواهد و مدارکی شفاهی و مبتنی بر شنیده‌ها و شایعات استناد کرده‌اند که تقریباً همگی آن‌ها سال‌ها پس از وقوع این رویدادها در دسترس قرار گرفته‌اند. می‌توان این شواهد مبتنی بر شنیده‌ها و شایعات را به‌عنوان «روایت غیرمستقیم آنچه گفته می‌شود فردی برای فرد دیگری بازگو کرده» (آلبرتو مارتینز ۲۰۱۱، صفحه ۲۰۲) توصیف کرد. روایت مربوط به اینشتین و ماریچ، طی سال‌ها و اغلب از طریق «شنونده‌های» بسیاری دهان‌به‌دهان نقل شده است. براساس فهرستی از بیست منبع تاریخی گردآوری شده توسط مارتینز که بر مبنای میزان معتبر بودن‌شان رده‌بندی شده‌اند، جایگاه شواهد شفاهی و مبتنی بر شنیده‌هایی که طی سال‌ها تکرار شده‌اند در انتهای این فهرست و حتی در رتبه‌ای پایین‌تر از خاطرات و مصاحبه‌هایی قرار می‌گیرند که

پس از گذشت مدت زمان مشابه انجام شده‌اند. اساساً اعتبار پایین این‌گونه شواهد مبتنی بر شنیده‌ها باعث شده هیچ‌یک از آن‌ها در محکمه‌های قضایی مورد پذیرش قرار نگیرند. هیچ هیئت منصفه و قاضی‌ای نمی‌تواند متهمی را محکوم کند، آن‌هم «بدون شکی معقول و قابل قبول» نسبت به شهادت شاهی که می‌گوید از فردی شنیده است که می‌گوید متهم گفته که مرتکب این جرم شده است. همچنین به همین دلیل کسانی که می‌خواهند شواهد و مدارک محکم و مستدلی برای یک ادعای مهم تاریخی ارائه کنند، به شواهد و مدارک معتبرتری استناد می‌کنند که مستقیماً از «صحنه جرم» برگرفته شده باشند از جمله: یادداشت‌ها، نامه‌ها، ایمیل‌ها، خاطرات روزانه، و پیش‌نویس‌های قابل اثبات، گزارش‌هایی که به‌هنگام وقوع حادثه تهیه شده‌اند.

به منظور متقاعد شدن نسبت به نامعتبر بودن شنیده‌ها، کافی است صرفاً به بازی ویدئویی «مکالمه تلفنی» یا «بدگویی و شایعه‌پراکنی»^۱ مراجعه کنیم. در این بازی ویدئویی، افراد پیامی را از فردی به فردی دیگر منتقل می‌کنند و سپس پیام اولیه را با نتیجه اغلب کاملاً متفاوت نهایی مقایسه می‌کنند. اگر حافظه در این میان نقشی داشته باشد، این نتیجه حتی در مورد روایت‌های شاهدان عینی، از حقیقت بیشتر فاصله می‌گیرد. آی.ام.ال. هانتز^۲ در کتاب خود تحت عنوان حافظه^۳، تجربه دو روان‌شناس اهل کمبریج را

1. Gossip (Video Game)

۲. Ian Melville Logan Hunter (1927-2004)، نویسنده و مدرس رشته روان‌شناسی در دانشگاه ادینبرا (Edinburgh) اسکاتلند تا سال ۱۹۶۲. او سپس به عنوان استاد دانشگاه کیل انگلستان (University of Keele) مشغول به تدریس در همین رشته شد و در سال ۱۹۸۲ بازنشسته شد.

3. Memory

تعریف می‌کند که بدون اطلاع شرکت‌کنندگان حاضر در جلسه انجمن روان‌شناسی کمبریج^۱، محتویات این جلسه را ضبط می‌کنند. آن‌ها دو هفته بعد، از تمام شرکت‌کنندگان این جلسه درخواست می‌کنند تمام آنچه را از این جلسه به یاد دارند، بنویسند. آن‌ها دریافتند حدود ۴۲ درصد موضوعات یادآوری شده از جمله اتفاقاتی که به هیچ‌عنوان رخ نداده بودند، اساساً نادرست بود. «به‌طور خلاصه، آنچه به یاد آورده شده بود نه تنها ناقص و از هم گسیخته بلکه تحریف شده نیز بود و موارد زیادی نیز به یاد آورده شده بود که در واقع، به هیچ‌وجه اتفاق نیفتاده بودند» (هانتر ۱۹۵۷، صفحات ۱۶۱-۱۶۰). میکا اِدلسون^۲ و همکاران (۲۰۱۱، صفحه ۱۰۸) در شرح پژوهش‌های تجربی اخیر خود به این موضوع اشاره می‌کنند: «حافظه انسان به طرز شگفت‌انگیزی تأثیرپذیر از عوامل اجتماعی است... خاطرات ما اغلب نادرست هستند. علت رایج و فراگیر یادآوری اشتباه، فشار اجتماعی و اثرات میان-فردی است.» به‌طور کلی، همان‌گونه که چارلز فرنیهو^۳ (۲۰۱۲، صفحات ۱۳۱-۱۳۰) در بحث خود پیرامون پژوهش در زمینه فرآیندهای حافظه شرح می‌دهد: «یافته‌های موجود در زمینه خاطرات کاملاً اشتباه، حاکی از آن هستند که اطلاعات نادرست خصوصاً زمانی شدیدتر است که سایر افراد خصوصاً اعضای خانواده، اطلاعات درهم‌برهم و بهم‌ریخته‌ای ارائه می‌کنند. یادآوری مشترک، مزایایی دارد.... اصطلاح همه‌گیری و شیوع اجتماعی به منظور توصیف فرآیندی به کار برده می‌شود که به موجب آن، شرح یک رویداد، حاوی اطلاعات نادرستی است که از سوی سایر افراد ارائه می‌شود». دو تن از نویسندگان حوزه علم به

1. Cambridge Psychological Society

۲. Micah Edelson، پژوهشگر دانشگاه زوریخ

۳. Charles Fernyhough، سال تولد: ۱۹۶۸، نویسنده و روان‌شناس. استاد رشته

روان‌شناسی دانشگاه دورهام (Durham University) انگلستان

نام‌های [راجر]‌های فیلد^۱ و [پل] کارتر^۲ (۱۹۹۳، صفحه ۱۱۰)، شک و شبهه‌ای را نیز به این مقوله اضافه می‌کنند که آن را «آداب و رسوم زادگاه» توصیف می‌کنند و براساس این آداب، میل شدیدی به «اغراق در ادعاهای زنان و مردان قهرمان بومی» وجود دارد.

با وجود این، نباید شنیده‌ها و خاطرات را که به هر حال ناقص و نامعتبر هستند، به خودی خود نادیده گرفت. حداقل شنیده‌ها و خاطرات مربوط به میلوا، بیانگر آن هستند که افراد مرتبط با خانوادهٔ ماریچ آن‌ها را رویدادهایی واقعاً صحیح تلقی می‌کردند. همانند برخی افسانه‌ها و حماسه‌های باستانی که طی سال‌ها دهان‌به‌دهان منتقل شده‌اند، احتمالاً آنچه امروزه به دست ما می‌رسد نیز بذر حقیقتی از گذشته را با خود به همراه دارد که شاید بتوان آن‌ها را در حوادث آن زمان، البته هرچند به طور مبهم، درک کرد.

کتاب را با شرح زندگی و تلاش‌های میلوا ماریچ در اواخر قرن نوزدهم آغاز می‌کنیم، یعنی دورانی که او با همان موانعی مواجه بود که بر سر راه زنان برای ورود به عرصهٔ علم و تحصیل وجود داشت، ولی او توانست بر آن‌ها فائق آید. سپس، این ماجرا را با شرح روند تحصیل و رابطهٔ او با یکی از دانشجویان رشتهٔ فیزیک، یعنی آلبرت اینشتین، ادامه می‌دهیم.

۱. Roger Highfield، سال تولد: ۱۹۵۸، نویسنده و روزنامه‌نگار علمی انگلیسی

۲. Paul Carter، سال تولد: ۱۹۵۱، نویسنده، روزنامه‌نگار و پژوهشگر انگلیسی

بخش اول: میلوا و آلبرت

دیوید سی. کاسیدی

فصل اول

دو مسیر مختلف زندگی و تحصیل

از همان ابتدا جسارت، عزم راسخ، و بلندپروازی در میلوا ماریچ کاملاً مشهود بود. او توانست بر نقص جسمی خود فائق بیاید. میلوا در حالی که از مدرسه‌ای به مدرسه‌ی دیگر می‌رفت همچنان عملکرد خوب خود را در تحصیل حفظ کرد، و به یکی از نخستین زنانی تبدیل شد که در امپراتوری اتریش - مجارستان در سطح دبیرستان به تحصیل در رشته فیزیک پرداخت و خصوصاً اینکه برای تحقق آرزوی خود، خانواده و سرزمین مادری اش را به مقصد سوئیس ترک کرد.

تولد میلوا

میلوا ماریچ در ۱۹ دسامبر ۱۸۷۵ در شهر تایتل^۱ در استان وویوودینا^۲ که اکثریت جمعیت آن را صرب‌ها تشکیل می‌دادند و در مجاورت مرزهای

1. Titel

۲. Vojvodina، استانی خودمختار در شمال کشور صربستان

جنوبی کشور اتریش واقع شده بود، چشم به جهان گشود. آن زمان، کشور مجارستان به اتریش پیوسته بود و به طور مشترک قلمرو امپراتوری اتریش - مجارستان را تشکیل می دادند و شهر آلمانی زبان وین، پایتخت آن به شمار می رفت. پادشاهی صربستان که در زمان به دنیا آمدن میلوا، همچنان بخشی از قلمرو امپراتوری عثمانی ترکیه محسوب می شد، در آن سوی مرز جنوبی مجارستان واقع شده بود. صربستان در سال ۱۸۷۸ استقلال خود را به دست آورد. کشور کرواسی نیز که آن زمان بخشی از مجارستان بود، در غرب صربستان قرار داشت.

اکثریت صرب‌های اهل استان وووودینا را مسیحیان ارتدوکس صربستان تشکیل می دادند و اسلاف‌شان همان کسانی بودند که در دوران تهاجم ترک‌های مسلمان عثمانی طی قرن‌های پیشین، به شمال و غرب گریخته و به این استان مجاری مهاجرت کرده بودند. پس از بنیانگذاری امپراتوری اتریش - مجارستان در سال ۱۸۶۷، کسب استقلال کشور صربستان و سقوط و فروپاشی امپراتوری عثمانی باعث شد رواج مجدد جنبش فرهنگی و سیاسی پان - اسلاویسم^۱ سرعت بیشتری پیدا کند. میل به اتحاد ملی در اواخر جنگ جهانی اول به اوج خود رسید و در سال ۱۹۲۹ به تشکیل پادشاهی مستقل صرب‌ها، کرووات‌ها، و اسلون‌ها تحت عنوان پادشاهی یوگسلاوی انجامید ([رابرت روزول] پالمرا^۲، [جونل] کالتون^۳، و [لوید] کرامر^۴ ۲۰۰۷). استان

۱. Pan-Slavism، جنبشی سیاسی در اواسط قرن نوزدهم که به اتحاد تمامی اسلاوها انجامید.

۲. Robert Roswell Palmer (1909-2002)، استاد دانشگاه و تاریخ‌نگار آمریکایی

۳. Joel Colton (1918-2011)، پژوهشگر و نویسنده آمریکایی در عرصه تاریخ مدرن

۴. Lloyd Kramer، سال تولد: ۱۹۴۹. نویسنده و استاد رشته تاریخ دانشگاه کارولینای

وویوودینا در حال حاضر، استان خودمختاری در کشور صربستان به شمار می‌آید.

طبق روایت‌های زندگینامه‌ای (تربوویچ - گیوریچ ۱۹۸۳ و ۱۹۸۸؛ [میشل] زاکهایم^۱ ۲۰۰۰؛ [درد] کرسٹیچ^۲ ۲۰۰۴؛ [رادمیلا] میلنتیویچ^۳ ۲۰۱۵) که اغلب مسئله ذکر منبع را نادیده می‌گیرند، پدر میلوا، یعنی میلوش ماریچ^۴ در سال ۱۸۴۶ در خانواده‌ای روستایی و کشاورز ساکن شهر کچ^۵ واقع در استان وویوودینا به دنیا آمد. شهر کچ در مجاورت شهر نووی ساد^۶، مرکز سیاسی و فرهنگی استان وویوودینا واقع شده است. در سال ۱۶۹۴ تجار صرب تحت فشار ترک‌های عثمانی و «آلمانی‌ها»^۷ که از اتریش به مجارستان مهاجرت می‌کردند، برای تأسیس شهر جدید نووی ساد از رودخانه دانوب گذشتند.

میلوش ماریچ در سال ۱۸۶۲ در شانزده سالگی برای گذراندن دوره سربازی وارد شهر تایتل شد. مجارستان برای ایجاد منطقه حائلی در برابر عثمانی‌ها دست به تشکیل مرز نظامی^۷ در امتداد مرز جنوبی این کشور زد که به خوبی توسط سربازان این کشور اداره می‌شد. گروهبان ماریچ اکثر دوره تحصیل خود را در مدرسه نظامی آلمانی‌زبان گذراند. این مدرسه

۱. Michele Zackheim، سال تولد: ۱۹۴۱. نویسنده آمریکایی و هنرمند عرصه هنرهای

تجسمی

۲. Dord Krstić، استاد سابق فیزیک دانشگاه لیوبلیانا (Ljubljana). او به مدت پنجاه

سال درباره زندگی میلوا ماریچ به پژوهش پرداخت.

۳. Radmila Milentijević، سال تولد: ۱۹۳۱. استاد رشته تاریخ در کالج شهری نیویورک

(City College of New York)

4. Miloš Marić

5. Kać

6. Novi Sad

7. Military Frontier

نظامی در شهر تایتل برای افسران نظامی رده پایین دایر شده بود. مهارت و تسلط میلوش ماریچ به زبان آلمانی و ریاضیات این امکان را برای او فراهم کرد که پس از پایان دوره سربازی به عنوان کارمند دولت مشغول به کار شود (کرستیچ ۲۰۰۴، صفحات ۲۰ - ۱۸).

میلوش پنج سال پس از ورود به شهر تایتل با دختری یکی از ثروتمندترین مالکان زمین در این شهر به نام ماریا روزیچ^۱ ازدواج کرد. آن‌ها دو فرزند اول خود را کمی پس از تولد از دست دادند و در پی مرگ تأسف بار این دو فرزند، میلوا ماریچ اولین فرزند آن‌ها بود که توانست جان سالم به در برد. دو فرزند بعدی آن‌ها بعد از میلوا، دختری به نام زورکا^۲ و پسری هم نام پدر، یعنی میلوش، بود. وقتی میلوا شروع به راه رفتن کرد معلوم شد که مفصل ران چپ او دچار دررفتگی مادرزادی است. او این نقص را از طرف خانواده مادری اش به ارث برده بود. از قرار معلوم، خواهر میلوا یعنی زورکا نیز دچار همین اختلال بود (میلنتیویچ ۲۰۱۵، صفحه ۲۱). این نقص جسمی باعث شده بود میلوا موقع راه رفتن به طور قابل ملاحظه‌ای بلندگد. او می‌بایست بار سنگین این نقص عضو را تا آخر عمر به دوش می‌کشید.

تحصیلات ابتدایی

مجارستان همزمان با فروکش کردن خطر عثمانی، جبهه نظامی خود را منحل کرد و به این ترتیب، میلوش (پدر) در سال تولد میلوا زندگی عادی و غیرنظامی خود را از سر گرفت. او که ظاهراً به واسطه جهیزیه همسر و درآمد حاصل از شغل کارمندی اش در دادگاهی در نزدیکی شهر ووکووار^۳

1. Marija Ruzić

2. Zorka

۳. Vukovar، شهری در ایالت ووکووار - سیرمیا در کشور کرواسی

به لحاظ مالی کاملاً تأمین بود، ملک بزرگی در نزدیکی زادگاه خود یعنی شهر کچ خریداری کرد که شامل یک زمین زراعی بود و کشاورزان محلی در آن مشغول به زراعت بودند (میلنتیویچ ۲۰۱۵، صفحه ۲۰). میلوش بعدها خانه دو طبقه ییلاقی بزرگی در این ملک خود واقع در شهر کچ ساخت که از آن به بعد به اقامتگاه تابستانی مورد علاقه خانواده و دوستانش تبدیل شد. او در سال ۱۸۷۷ در شهر روما^۱ واقع در استان ویووودینا به عنوان منشی دادگاه بخش مشغول به کار شد (کرستیچ ۲۰۰۴، صفحه ۲۱). خانواده ماریچ به جای سکونت در شهر کچ به شهر روما واقع در سی کیلومتری جنوب نوبی ساد نقل مکان کرد. میلوش به عنوان منشی دادگاه، کار خود را در آنجا آغاز کرد و میلوا که شش ساله بود نیز در سال ۱۸۸۲ وارد دبستان شد. میلوا به محض اتمام دوره چهار ساله تحصیلات ابتدایی اش در شهر روما، در پائیز سال ۱۸۸۶ برای سال اول دوره مقدماتی تحصیلات متوسطه در مدرسه عالی دخترانه صربستان^۲ در شهر نوبی ساد ثبت نام کرد. عبارت «عالی» به تحصیلات پیشرفته تر اشاره داشت. پدرش که بسیار حمایتگر و مشوق او بود، ترتیبی داد تا در پایتخت برای او اتاقی فراهم، و نزد زن بیوه ای پانسیون شود (میلنتیویچ ۲۰۱۵، صفحه ۲۴).

میلوا زمانی که در دبستان مشغول به تحصیل بود به دلیل اینکه پایش می لنگید مدام به طرز آزاردهنده ای از سوی همکلاسی هایش مورد تحقیر و تمسخر قرار می گرفت. میلنتیویچ در این باره می نویسد: «واکنش قابل درک این بود که از سایر بچه ها کناره گیری کند و در خودش فرو برود» (۲۰۱۵، صفحه ۲۳؛ همچنین به کرستیچ ۲۰۰۴، صفحه ۲۲ مراجعه شود). او سال های بعد، اغلب کم حرف بود. ظاهراً اولین شکوفایی تحصیلی میلوا،

1. Ruma

2. Serbian Higher Girls School

در روما و نووی ساد بروز کرد. بنا به گفتهٔ تربوویچ - گیوریچ، یکی از معلمان او در روما به پدرش گفته بود: «از این بچه خیلی خوب مراقبت کنید! پدیده [عجیب] نادری است» (تربوویچ - گیوریچ ۱۹۸۳ و ۱۹۸۸، صفحه ۲۱). دُرد کرسٹیچ در این باره می نویسد: «او در پایان سال تحصیلی [در نووی ساد]، در تمام درس ها نمره «عالی» گرفت؛ به علاوه، یکی از همکلاسی های سابق میلوا در سال ۱۹۶۱ به کرسٹیچ گفته بود که او، زرنگ ترین شاگرد کلاس بود، «او همیشه جواب تمام سؤال ها را می دانست» (کرسٹیچ ۲۰۰۴، صفحه ۲۲). این نویسندگان توضیح بیشتری در این باره ندادند اما ظاهراً پدر میلوا مطمئن بود تا جایی که استعدادها و توانایی های او همراهی اش کنند، او به تحصیل خود ادامه خواهد داد. البته این اتفاق، به رغم تمام موانع رایجی رخ داد که در مسیر تحصیل زنان وجود داشت. دانش آموزان اروپایی معمولاً دورهٔ تحصیل ابتدایی را طی چهار یا پنج سال می گذرانند. میلوا نیز این دوره را در شهر روما طی چهار سال به پایان رساند. آن زمان افرادی که قصد ادامهٔ تحصیل در دانشگاه و پس از آن، اشتغال در زمینه های تخصصی را داشتند، در دورهٔ ۹ سالهٔ تحصیل در مقطع مقدماتی و تکمیلی متوسطه شرکت می کردند که اغلب به تأسی از اصطلاحی که در زبان لاتین برای «مدرسه» استفاده می شد، به آن ژیمناسیوم (دبیرستان)^۱ می گفتند. روند تحصیل در مدارس این کشور و پیش از ورود به دانشگاه، معمولاً چهارده سال طول می کشید و برخلاف مدارس آمریکایی بود که طول دورهٔ تحصیل در آن ها دوازده سال بود. آن زمان در کشورهای نظیر اتریش - مجارستان که زنان از تحصیلات عالی محروم بودند، این ژیمناسیوم معمولاً بنا به جنسیت دانش آموزان تفکیک می شد و عمدتاً